

## استاد ژاله آموزگار / بانوی کلمات گمشده



آسمان هنر شهر اولینهای ایران زمین، از دیرباز تا کنون مفتخر به حضور ستارگان پرفروغی بوده که هر یک، روشنای پهنه ای هستند و تلاش ارزشمندشان، مایه مباهات است.

آسمان هنر شهر اولینهای ایران زمین، از دیرباز تا کنون مفتخر به حضور ستارگان پرفروغی بوده که هر یک، روشنای پهنه ای هستند و تلاش ارزشمندشان، مایه مباهات است. ستارگانی که شاید در تبریز متولد نشده باشند، اما پایه های دانش و ریشه های خردمندی شان در این دیار شکل گرفته و عمری را به خدمت علم و دانایی گذرانده اند. ژاله آموزگار در 12 آذر 1318 در شهر خوی متولد شد. پدرش اهل تبریز بود و این دختر مستعد و باهوش، به جهت ماموریت شغلی پدر، در خوی دیده به جهان گشود. تولد در خانواده ای با پدر و مادر فرهنگی، زمینه را برای پرورش وی بیش از پیش فراهم نمود. پدر ژاله آموزگار در آن زمان در وزارت فرهنگ آن زمان و در جایگاه رییس دبیرستان دخترانه مشغول به خدمت بود و از این رو بعدها خود ژاله نیز در آن تحصیل کرد. وی درباره نگاه خانواده اش به تحصیل دختران می گوید: «خانواده ام بی هیچ تفاوت گذاری به من هم مثل برادر نگاه می کرد و برای یادگیری و تحصیل هیچ محدودیتی، در آن زمان، برای من قائل نبودند».

او که به گفته خودش، دختر درس خوانی بود، از دبیرستان ایراندخت خوی دیپلم علمی گرفت و سپس از دبیرستان ایراندخت تبریز نیز دیپلم ادبی دریافت نمود. ژاله آموزگار در سال 1335 وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز شد؛ رخدادی که وی آن را اتفاقی بزرگ در زندگی خود می داند و می گوید: «اصلا در مخیله ام نمی گنجید که دختری از شهرستان قادر باشد به تبریز بیاید و در کنکور نیز شاگرد اول شود».

وی در تبریز در منزل عمویش سکونت داشت و این همراهی به جهت فضای ادبی موجود در این منزلگاه، در رشد او بسیار موثر بود. به گفته خودش از آنجا که عمویش فرزندی نداشت، در آن خانه مانند فرزند پذیرفته شده و به تحصیل و زندگی می پرداخت.

این بانوی تلاشگر، در سال 1338 با رتبه اول مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه تبریز دریافت کرد. در حالیکه می توانست به خاطر شاگرد اولی از بورس تحصیلی برای خارج از کشور استفاده کند، مخالفت خانواده با سفر انفرادی او به اروپا، موجب می شود او در آن مقطع نتواند از آن بورس استفاده کند. او نهایتا پس از ازدواج با یکی از همکلاسی هایش، در سال های بین 1338 تا 1342 به عنوان دبیر آموزش و پرورش در تهران، کاشمر و نیشابور به معلمی و آموزش کودکان این مرز و بوم پرداخت.

در سال 1343 ژاله آموزگار به اصرار همسرش از بورس تحصیلی بهره مند می شود و به همراه همسر و دخترش در پاریس در رشته فرهنگ و زبان های باستانی در دانشگاه سوربون مشغول تحصیل می شود. او طی این سالها، در کنار اساتیدی چون لازار، امیل بنونیست، احمد تفضلی و اشرف صادقی، شاگردی پرفسور پی یر دومناش را به کارنامه افتخاراتش اضافه می کند. به گفته خودش از پاریس و شاگردی دومناش، خاطرات بسیار خوبی با خود حمل می کند زیرا به باور او دومناش صرفا استاد علمی آن ها نبود، بلکه به شاگردانش «چگونه زیستن و چگونه بودن و چگونه دوست داشتن» را نیز می آموخت.

ژاله آموزگار پس از دریافت مدرک دکترا در سال 1347 به ایران باز می گردد و در «بنیاد فرهنگ ایران» مشغول به کار می شود. در آنجا با افرادی سرشناس همچون مهرداد بهار، محسن ابوالقاسمی، فریدون وهمن، احمد تفضلی و زیر نظر دکتر پرویز ناتل خانلری، به فعالیت علمی می پردازد.

وی در طول زندگی پربار علمی خویش، دهها کتاب را به رشته تحریر درآورده، دهها کتاب دیگر را ترجمه نموده، صدها پایان نامه مقاطع مختلف تحصیلی را هدایت کرده و هزاران مطلب و مقاله علمی را در تاریخ ماندگار نموده است. همچنین علاوه بر عناوین پر شمار داخلی، در سال 95 در پاسداشت مقام علمی این ایرانشناس بزرگ، نشان شوالیه (لژیون دونور) از سوی سفیر فرانسه در تهران به ایشان اهدا شده است.

عمر با برکت دکتر ژاله آموزگار، همواره با خردمندی و تلاش بر نگارش آثار برجسته فرهنگی و تاریخی و همچنین توجه به تعلیم و پرورش نسلی خردورز همراه بوده است.

سایه شان بر سر فرهنگ و اندیشه کشورمان، مستدام...